سوژه

درخواست تازه برای برگزاری اردوی خارجی در تعطیلات نیم‌فصل

جوانگرایی در مسیر ترکیه

تیم ملی فوتبال ایران در آستانه دوره‌ای تازه قرار گرفته است؛ دوره‌ای که با توجه به تعویق یک‌ساله جام ملت‌های آسیا، امیر قلعه‌نویی ناگزیر شده زودتر از برنامه موردنظرش به سمت جوانگرایی حرکت کند و بخشی از بازیکنان باتجربه را از فهرست تیم ملی کنار بگذارد. هرچند سرمربی تیم ملی تأکید کرده درهای بازگشت به روی باتجربه‌ها بسته نیست، اما افکار عمومی انتظار دارد این تغییر رویکرد به پوست‌اندازی واقعی منجر شود؛ انتظاری که مسئولیت قلعه‌نویی را برای میدان دادن به نسل تازه دوچندان می‌کند.

در چنین شرایطی، انتشار خبر درخواست او برای برگزاری اردوی خارجی با حضور بازیکنان زیر ۲۸ سال شاغل در لیگ برتر، پرسش‌هایی جدی ایجاد کرده است. ظاهراً قرار است این اردو در تعطیلات نیم‌فصل و به مدت یک هفته برگزار شود؛ اردویی خارج از فیفادی که طبیعتاً امکان برگزاری مسابقه با تیم‌های ملی را هم فراهم نمی‌کند. بنابراین، اگر قرار باشد برنامه به بازی با تیم‌های باشگاهی کشور میزبان محدود شود، باید پرسید چه مزیت فنی قابل‌توجهی نسبت به یک اردوی داخلی خواهد داشت؟

نگرانی دیگر، احتمال انتخاب دوباره ترکیه به‌عنوان مقصد این سفر است؛ کشوری که در ماه‌های اخیر میزبان اردوهای مختلف تیم‌های ملی ایران بوده و نام برخی هتل‌کمپ‌های آن نیز در پرونده فاکتورسازی و هزینه‌های بحث‌برانگیز اردوی تیم امید مطرح شده است. شنیده‌ها درباره حضور برخی عوامل مرتبط با آن اردوها در هماهنگی سفرهای تیم بزرگسالان، ضرورت شفافیت و نظارت دقیق‌تر را یادآوری می‌کند. البته این موضوع به معنای اثبات تخلف در اردوی احتمالی پیش‌رو نیست، اما تکرار تجربه‌های پرابهام، حساسیت بیشتری می‌طلبد.

پرسش اصلی همچنان پابرجاست؛ چرا شناخت بازیکنان جوان، انتقال دیدگاه‌های تاکتیکی سرمربی و آماده‌سازی آنها برای حضور در ترکیب اصلی باید به سفر خارجی گره بخورد؟ در شرایطی که هزینه‌های ارزی چنین اردوهایی قابل چشم‌پوشی نیست، فدراسیون فوتبال باید پیش از موافقت با درخواست سرمربی، درباره ضرورت فنی، برآورد هزینه‌ها، محل اقامت و دستاوردهای مورد انتظار توضیح روشنی ارائه کند. جوانگرایی تیم ملی تصمیمی ضروری است، اما نباید به بهانه‌ای برای تکرار اردوهای پرهزینه و کم‌حاصل تبدیل شود.

لژیونرها

درخشش مدافع ایرانی در شب ناکامی دوباره سرمربی ایتالیایی

قربانی، کابوس پیرلو در دقیقه ۸۶

مدافع ایرانی الوحده در دقیقه ۸۶ گل تساوی تیمش را به ثمر رساند تا آندره‌آ پیرلو و دبی یونایتد بار دیگر از رسیدن به پیروزی بازبمانند؛ گلی که علاوه بر نجات عنابی‌پوشان از شکست، نقش متفاوت محمد قربانی را در ترکیب تیم اماراتی برجسته کرد.

هفته نهم لیگ برتر امارات برای الوحده در شرایطی به پایان رسید که این تیم تا آستانه تجربه یک شکست خارج از خانه پیش رفت، اما گل دیرهنگام مدافع ایرانی مانع از دست رفتن امتیاز شد. دبی یونایتد که هدایت آن را آندره‌آ پیرلو برعهده دارد، امیدوار بود با استفاده از امتیاز میزبانی به ناکامی سه‌ماهه خود در کسب پیروزی پایان دهد؛ هدفی که تا چند دقیقه مانده به پایان مسابقه دست‌یافتنی به نظر می‌رسید. در نیمه نخست، مصدومیت استوان لکوویچ، دروازه‌بان دبی یونایتد، نتوانست شرایط را به سود الوحده تغییر دهد. عمر خریبین و دیگر مهاجمان این تیم فرصت‌های مناسبی برای گلزنی داشتند، اما ناکامی آنها در استفاده از موقعیت‌ها زمینه را برای پیش افتادن میزبان فراهم کرد. انیس الشاذلی در دقیقه ۳۵ دروازه الوحده را باز کرد تا دبی یونایتد با برتری به رختکن برود.

در نیمه دوم، فشار الوحده برای جبران نتیجه افزایش یافت، اما دفاع میزبان در برابر حملات عنابی‌پوشان مقاومت کرد. هرچه به پایان مسابقه نزدیک‌تر می‌شدیم، احتمال ثبت یک پیروزی مهم برای پیرلو بیشتر به چشم می‌آمد تا اینکه محمد قربانی در دقیقه ۸۶ معادلات را تغییر داد. مدافع ایرانی روی پاس آرنائو پراداس موفق شد گل تساوی را به ثمر برساند و تیمش را از شکست نجات دهد.

این گل برای قربانی اهمیت ویژه‌ای داشت؛ بازیکنی که با حضور در قلب خط دفاعی الوحده، حالا علاوه بر وظایف دفاعی، در فاز هجومی نیز به مهره‌ای مؤثر تبدیل شده است. ثبت دومین گل فصل در لیگ امارات نشان می‌دهد که تغییر پست او می‌تواند ظرفیت‌های تازه‌ای از بازی این مدافع ایرانی را آشکار کند.

الوحده با این تساوی ۱۴ امتیازی شد و جایگاه ششم جدول را حفظ کرد. ۳ بازی بدون شکست نیز شرایط قابل قبولی برای این تیم رقم زده است. در طرف مقابل، پیرلو همچنان در انتظار نخستین پیروزی دبی یونایتد است؛ تیمی که حتی در فاصله چند دقیقه‌ای از پایان مسابقه هم نتوانست طلسم ناکامی‌هایش را بشکند. قربانی در شبی که مهاجمان الوحده در گلزنی ناکام ماندند، با یک ضربه سرنوشت‌ساز تفاوت را رقم زد.

پایان مهلت سرپرستی مؤمنی و تکذیب شایعه بازگشت ساکت

صندلی داغ دبیرکلی؛ انتخاب تاج کیست؟

گزارش یک

سیناحسینی
خبرنگار



عکس: فدراسیون فوتبال

انتخاب دبیرکل در اختیار انحصاری رئیس فدراسیون نیست. مطابق سازوکار اساسنامه، دبیرکل با پیشنهاد رئیس فدراسیون و تصویب هیأت‌رئیسه انتخاب می‌شود و حکم او را رئیس فدراسیون صادر می‌کند

با پایان مهلت سه‌ماهه سرپرستی حامد مؤمنی، مهدی تاج باید تکلیف صندلی دبیرکلی فدراسیون فوتبال را مشخص کند؛ جایگاهی که نام محمدرضا ساکت برای تصاحب آن مطرح شد، اما تکذیب صریح این مدیر باسابقه، معادلات انتخاب جانشین هدایت ممبینی را وارد مرحله تازه‌ای کرده است. مهدی تاج در سومین دوره حضور خود بر صندلی ریاست فدراسیون فوتبال، همچنان با انتقادی جدی درباره سبک مدیریتی‌اش مواجه است؛ تداوم حضور مدیران قدیمی و حفظ حلقه‌ای از چهره‌های نزدیک که سال‌هاست در ساختار تصمیم‌گیری فوتبال ایران نقش دارند. رئیس فدراسیون بارها از ضرورت جوانگرایی و تحول در بدنه مدیریتی سخن گفته، اما ترکیب مدیران ارشد ساختمان سئول نشان می‌دهد فاصله قابل‌توجهی میان این وعده‌ها و عملکرد او وجود دارد. حضور محمود اسلامیان در جایگاه مشاور رئیس، فعالیت مهدی محمدنبی، حیدر بهروند و فریده شجاعی در ترکیب نواب رئیس و بازگشت هدایت ممبینی به فدراسیون در قامت مشاور تاج، نمونه‌هایی از تداوم حضور چهره‌های آشنا هستند. حالا پس از کنار رفتن ممبینی از دبیرکلی، صندلی مهم دیگری در معرض تصمیم‌گیری رئیس فدراسیون قرار گرفته است؛ جایگاهی که انتخاب متصدی آن می‌تواند بار دیگر وعده جوانگرایی را زیرسؤال ببرد.

پایان مهلت مؤمنی توپ در زمین هیأت‌رئیسه

نهم شهریورماه بود که پس از برکناری هدایت ممبینی، حامد مؤمنی با حکم مهدی تاج به عنوان سرپرست دبیرکلی انتخاب شد. کنار رفتن ممبینی در شرایطی اتفاق افتاد که عملکرد مدیریتی فدراسیون در ماجرای تورنمنت سه‌جانبه و معرفی نماینده ایران به رقابت‌های آسیایی با انتقاداتی مواجه شده بود. تاج در آن مقطع مؤمنی را به عنوان جانشین موقت منصوب کرد؛ تصمیمی که حالا با پایان مهلت قانونی سرپرستی، نیازمند تعیین‌تکلیف است. طبق بند ۷ ماده ۶۷ اساسنامه فدراسیون فوتبال، رئیس فدراسیون در صورت بلاتصدی شدن پست دبیرکل یا سایر جایگاه‌های مدیریتی می‌تواند حداکثر برای سه ماه سرپرست تعیین کند. بنابراین، ادامه فعالیت مؤمنی در قالب سرپرستی پس از پایان این مهلت، بدون تعیین‌تکلیف قانونی، با ابهام مواجه خواهد بود.

البته انتخاب دبیرکل در اختیار انحصاری رئیس فدراسیون نیست. مطابق سازوکار اساسنامه، دبیرکل با پیشنهاد رئیس فدراسیون و تصویب هیأت‌رئیسه انتخاب می‌شود و حکم او را رئیس فدراسیون صادر می‌کند. بنابراین، تاج باید گزینه موردنظر خود را به اعضای هیأت‌رئیسه معرفی کند و موافقت آنها را به دست آورد.

سرنوشت کرسی دبیرکلی به تصمیم مشترک رئیس و هیأت‌رئیسه گره خورده است.

ساکت تکذیب کرد گزینه بعدی تاج چه کسی است؟

در روزهای گذشته نام محمدرضا ساکت به عنوان یکی از گزینه‌های جدی جانشینی ممبینی مطرح شد؛ مدیری که سابقه حضور در دبیرکلی فدراسیون را دارد و پس از ناکامی در انتخابات اخیر هیأت‌رئیسه، با حکم تاج به ساختمان سئول بازگشت و ریاست کمیته صدور مجوز حرفه‌ای را برعهده گرفت. انتشار خبر مذاکرات احتمالی رئیس فدراسیون با او برای پذیرش دوباره دبیرکلی، با واکنش مستقیم ساکت همراه شد.

رئیس کمیته صدور مجوز حرفه‌ای در گفت‌وگو با ایسنا، خبر حضورش در دبیرکلی را تکذیب کرد و گفت: «با توجه به مسئولیت بنده در کمیته صدور مجوز حرفه‌ای و حساسیت این موضوع، حضورم در دبیرکلی فدراسیون فوتبال کذب است.» ساکت همچنین با حمایت از حامد مؤمنی تأکید کرد که او با شایستگی در این سمت حضور خواهد داشت و تمام تلاش ارکان فدراسیون باید معطوف به رشد و ارتقای فوتبال ایران باشد. تکذیب ساکت در شرایطی مطرح شد که نام او به عنوان گزینه احتمالی تاج در رسانه‌ها مطرح شده بود. با این واکنش، بازگشت او به دبیرکلی دست‌کم در شرایط فعلی با تردید مواجه شده، اما پرسش اصلی همچنان پابرجاست: اگر مؤمنی قرار نیست در این جایگاه ابقا شود، گزینه جایگزین تاج چه کسی خواهد بود؟ آیا رئیس فدراسیون سراغ مدیری جوان‌تر می‌رود یا یکی دیگر از چهره‌های باسابقه را معرفی می‌کند؟

سرنوشت دبیرکلی مؤمنی می‌ماند یا گزینه‌ای تازه می‌آید؟

اکنون تاج با دو انتخاب روبه‌رو است؛ معرفی مؤمنی به عنوان گزینه دائمی دبیرکلی یا پیشنهاد فردی دیگر به هیأت‌رئیسه. هر دو مسیر مستلزم طی شدن فرایند قانونی و تصویب هیأت‌رئیسه است و ادامه وضعیت سرپرستی نمی‌تواند جایگزین دائمی این فرایند شود.

آنچه به این انتخاب اهمیت بیشتری می‌دهد، سابقه وعده‌های تاج درباره جوانگرایی است. اگر گزینه نهایی بار دیگر از میان مدیران قدیمی و نزدیک به حلقه مدیریتی رئیس فدراسیون انتخاب شود، انتقادها درباره تکرار چهره‌ها در ساختمان سئول ادامه خواهد داشت. اکنون باید دید تاج برای پایان دادن به سرپرستی مؤمنی چه نامی را به هیأت‌رئیسه معرفی می‌کند و آیا کرسی دبیرکلی سرانجام به یک تغییر مدیریتی واقعی منتهی خواهد شد یا ترکیب آشنای مدیران فدراسیون همچنان حفظ می‌شود.

تحلل کمیته استیناف در خصوص پرونده‌های بلاتکلیف

آرای سرنوشت‌ساز در کما



مرتضی طهوری/ قرار بود هفته گذشته تکلیف دو پرونده جنجالی فوتبال ایران در کمیته استیناف روشن شود؛ دو پرونده‌ای که هرکدام می‌توانند تبعات مهمی برای تیم‌های درگیر داشته باشند، اما با گذشت یک هفته از زمان موعود، هنوز خبری از اعلام رأی نیست. حالا کمیته استیناف در شرایطی با انبوهی از انتظار و ابهام روبه‌روست که نه اعتراض ملوان و تراکتور به نتیجه انضباطی دیدار برگزارنشده‌شان به سرانجام رسیده و نه استقلال از وضعیت پرونده انضباطی یاسرآسانی مطلع شده است. پرونده ملوان و تراکتور از جمله جنجالی‌ترین اتفاقات فصل جاری لیگ برتر بود. مسابقه‌ای که برگزار نشد، خیلی زود از یک اتفاق فوتبالی به پرونده‌ای انضباطی تبدیل شد و رأی کمیته انضباطی هم اعتراض هر دو باشگاه را به دنبال داشته است. ملوانی‌ها نسبت به کسر ۲ امتیاز از تیم‌شان معترض‌اند و تراکتوری‌ها هم حکم شکست انضباطی را نپذیرفته‌اند. به این ترتیب، هر دو باشگاه درخواست فرجام‌خواهی خود را به کمیته استیناف ارائه کردند. استقلال هم پرونده‌ای تازه روی میز اعضای استیناف گذاشته است؛ پرونده‌ای که به محرومیت یاسرآسانی مربوط می‌شود. کمیته انضباطی پس از حواشی دیدار استقلال خوزستان و استقلال تهران، وینگر آلبانیایی آبی‌پوشان را به یک جلسه محرومیت قطعی و یک جلسه محرومیت تعلیقی محکوم کرد. همچنین علیرضا ایلدروم، کمک‌داور مسابقه، با محرومیت دوماهه مواجه شد. استقلالی‌ها اما معتقدند با توجه به آنچه در جریان مسابقه رخ داده و نقش کمک‌داور در شروع تنش‌ها، محرومیت آسانی قابل تجدیدنظر است. به همین دلیل، باشگاه استقلال هم برای تغییر حکم صادرشده دست به کار شده است. اهمیت این دو پرونده فقط به اعتراض باشگاه‌ها محدود نمی‌شود. نتیجه رسیدگی به پرونده ملوان و تراکتور می‌تواند در وضعیت امتیازی و جدول لیگ تأثیر بگذارد و تعیین تکلیف محرومیت آسانی هم برای استقلال، به‌ویژه در آستانه مسابقات حساس پیش‌رو، اهمیت فنی دارد. در واقع، هر روز تأخیر در اعلام رأی، ابهام درباره وضعیت تیم‌ها و بازیکنان را بیشتر می‌کند. با وجود اینکه قرار بود سه‌شنبه هفته گذشته تکلیف این دو پرونده روشن شود، این اتفاق نیفتاد و همچنان با گذشت یک هفته، خبری در خصوص این دو پرونده در دسترس نیست. در چنین شرایطی سراغ مهدی دادرس، رئیس کمیته استیناف رفتیم که او پاسخگو نبود تا همچنان زمان اعلام رأی این دو پرونده با ابهام روبه‌رو باشد.

سکوت فدراسیون در برابر بطری‌پراکنی

چرا مازیار زارع هنوز محروم نشده است؟

حامد حسینی/ چند روز پس از دیدار ملوان و گل‌گهر در ورزشگاه سیروس قایقران، رفتار مازیار زارع، سرمربی ملوان، همچنان بی‌پاسخ مانده است. زارع پس از دریافت کارت قرمز، بطری آبی را به سمت کیوان علیمحمدی، داور مسابقه، پرتاب کرد؛ صحنه‌ای که بحث درباره امنیت داوران و واکنش نهادهای مسئول را دوباره به صدر توجه آورده است. ماجرا به پرتاب بطری محدود نماند. زارع پس از بازی نیز با لحنی تند از رفتارش دفاع کرد و گفت اگر احساس کند حقش ضایع شده، به طرف مقابل حمله می‌کند. او در میکسدزون هم داور چهارم را به تمسخر گرفت. این اظهارات، در کنار آنچه در زمین رخ داد، انتقادهایی را درباره احترام به داوران و مسئولیت حرفه‌ای مربیان برانگیخته است.

پرسش اصلی اکنون این است، چرا با گذشت چند روز، فدراسیون فوتبال یا کمیته انضباطی واکنش رسمی و بازدارنده‌ای نشان نداده‌اند؟

مگر نه اینکه همین کمیته انضباطی پس از اظهارات تند زارع علیه مقام‌های فدراسیون و سازمان لیگ ۲ سال پیش، با صدور دستور موقت او را تا اطلاع ثانوی از حضور در مسابقات محروم کرد. آن سابقه نشان می‌دهد که امکان بررسی فوری و اتخاذ تصمیم موقت وجود دارد؛ با این حال، در پرونده اخیر خبری از چنین اقدامی منتشر نشده است.

در همین حال، کمیته داوران گفته است فعلاً اظهارنظری نمی‌کند و از باشگاه ملوان نیز پاسخ روشنی در دسترس نیست. نبود اطلاع‌رسانی، به ابهام‌ها دامن زده است، آیا پرونده در حال بررسی است؟ آیا گزارشی از داور مسابقه دریافت شده؟ و چه زمانی قرار است تصمیمی اعلام شود؟ رسیدگی به پرونده، البته باید بر پایه گزارش‌ها و مقررات انجام شود و امکان دفاع برای طرفین را حفظ کند اما تعلل یا سکوت بی‌توضیح، به‌ویژه در موضوعی که با امنیت داوران و اعتبار مسابقات ارتباط دارد، می‌تواند این تصور را ایجاد کند که رفتارهای مشابه پیامد روشنی ندارند. فدراسیون فوتبال با اعلام روند رسیدگی و زمان‌بندی تصمیم، می‌تواند هم از اصول دادرسی منصفانه پاسداری کند و هم نشان دهد برخورد با خشونت و توهین در فوتبال تابع معیارهای مشخص است.



داوران برای اداره مسابقه به حمایت نهادی نیاز دارند، نه فقط پس از وقوع حادثه، بلکه در قالب مقرراتی شفاف و اجرایی. تا زمانی که فدراسیون درباره این پرونده توضیح ندهد، پرسش درباره مسئولیت‌پذیری و یکسان‌بودن معیارها همچنان باقی خواهد ماند.

چرا کادر فنی تیم ملی آب رفت؟!

قلعه‌نویی تنها روی سکوها

رضا حمیدی/ حضور شخصی امیر قلعه‌نویی در ورزشگاه‌ها برای تماشای مسابقات لیگ برتر نشانه‌ای از تغییرات گسترده در کادر فنی تیم ملی است. سرمربی تیم ملی که در فصل گذشته بیشتر از طریق دستیارانش مسابقات را زیر نظر می‌گرفت، حالا ناچار است شخصاً به ورزشگاه‌ها برود و بازیکنان را ارزیابی کند. اتفاقی که یک پرسش جدی را به وجود آورده است. سؤال این است: کادر فنی تیم ملی در چه وضعیتی قرار دارد و چرا تعداد دستیاران قلعه‌نویی تا این اندازه کاهش پیدا کرده است؟!

در فصل گذشته قلعه‌نویی برای بررسی مسابقات لیگ برتر و زیر نظر گرفتن بازیکنان از چند دستیار خود کمک می‌گرفت. سعید الهویی یکی از افرادی بود که مسابقات را دنبال می‌کرد و گزارش‌های لازم را در اختیار سرمربی تیم ملی قرار می‌داد. آندرانیک تیموریان نیز در ورزشگاه‌ها حضور پیدا می‌کرد و عملکرد بازیکنان را زیر نظر داشت. علی‌اصغر قربانعلی‌پور و هومن افاضلی هم در همین چهارچوب فعالیت می‌کردند و وظیفه بررسی مسابقات و انتقال اطلاعات به کادر فنی را برعهده داشتند و اطلاعات دقیقی را به سرمربی تیم ملی می‌دادند.

اما شرایط امروز با گذشته تفاوت زیادی کرده است. تعدادی از این مربیان دیگر با تیم ملی همکاری نمی‌کنند و وضعیت ادامه حضور سعید الهویی نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. آندرانیک تیموریان هم از جمع اعضای کادر فنی جدا شده و سایر افرادی که در فصل گذشته وظیفه استعدادیابی و بررسی مسابقات را برعهده داشتند، دیگر در این مجموعه حضور ندارند.

در چنین شرایطی قلعه‌نویی عملاً با تعداد محدودی از دستیاران خود فعالیت می‌کند. رحمان رضایی یکی از اعضای حاضر در کنار سرمربی تیم ملی است و در سفر اخیر تیم ملی به عراق نیز نام او در کنار لوسادا و لینکا، مربی دروازه‌بان‌ها، در مجموعه فنی دیده می‌شد. این ترکیب محدود در مقایسه با نیازهای یک تیم ملی که خود را برای حضور در مهم‌ترین رقابت فوتبال جهان آماده می‌کند، پرسش‌برانگیز است.

نکته مهم اینجاست که سرمربی تیم ملی نمی‌تواند تمام وظایف فنی را شخصاً برعهده بگیرد. بررسی مسابقات لیگ، ارزیابی بازیکنان، آنالیز رقبا، پیگیری وضعیت ملی‌پوشان، ارتباط با باشگاه‌ها و بررسی شرایط فنی بازیکنان در پست‌های مختلف، نیازمند تقسیم وظایف میان چند مربی متخصص است.

وقتی تعداد دستیاران کاهش پیدا می‌کند، طبیعی است که بخشی از این مسئولیت‌ها با دشواری بیشتری انجام شود.

حضور قلعه‌نویی در ورزشگاه‌ها به خودی خود اتفاق مثبتی است. اینکه سرمربی تیم ملی شخصاً مسابقات را تماشا کند و از نزدیک شرایط بازیکنان را بسنجد، نشان‌دهنده اهمیت دادن او به روند آماده‌سازی تیم ملی است.

اما مسأله اصلی این است که چرا باید سرمربی تیم ملی تا این اندازه درگیر وظایفی شود که می‌تواند توسط دستیاران و اعضای گروه فنی انجام شود؟ تیم ملی برای رسیدن به آمادگی مطلوب به یک مجموعه کامل نیاز دارد. قلعه‌نویی باید فرصت داشته باشد روی مسائل کلان فنی، طراحی برنامه‌های تاکتیکی، انتخاب ترکیب و آماده‌سازی تیم تمرکز کند.

در مقابل دستیاران او باید مسئولیت بررسی جزئیات مسابقات و ارزیابی بازیکنان را برعهده بگیرند تا هیچ گزینه‌ای از نگاه کادر فنی دور نماند.

در این میان بحث احتمال بازگشت آندرانیک تیموریان نیز مطرح شده است. البته هنوز مشخص نیست چنین اتفاقی عملی خواهد شد یا قلعه‌نویی تصمیم دارد از مربیان دیگری برای تکمیل مجموعه خود استفاده کند. وضعیت سعید الهویی نیز همچنان یکی از ابهامات مهم این مجموعه است و باید دید سرانجام همکاری او با تیم ملی به کجا خواهد رسید.

پرسش اساسی‌تر این است که فدراسیون فوتبال چه برنامه‌ای برای تکمیل کادر فنی تیم ملی دارد؟ آیا قرار است نفرات جدیدی به مجموعه اضافه شوند یا قلعه‌نویی با همین تعداد محدود از دستیاران به کار خود ادامه خواهد داد؟

واقعیت این است که کادر فنی کامل، یک ضرورت برای تیم ملی است و نمی‌توان آن را موضوعی فرعی تلقی کرد. در آستانه جام جهانی، کوچک‌ترین غفلت در زمینه آماده‌سازی و ارزیابی بازیکنان می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد.

تیم ملی به گروهی نیاز دارد که بتواند تمام مسابقات را با دقت دنبال کند و اطلاعات لازم را در اختیار سرمربی قرار دهد.

قلعه‌نویی نباید در این مسیر تنها بماند. حضور او در ورزشگاه‌ها برای تماشای مسابقات قابل احترام است، اما این حضور نباید جای خالی دستیاران و کارشناسان فنی را پر کند.

بدون هیچ تعارفی سرمربی تیم ملی به یک مجموعه منسجم و متخصص نیاز دارد تا بتواند با تقسیم مسئولیت ها ، بهترین شرایط را برای آماده‌سازی تیم فراهم کند. در واقع باید یک کادر کامل در کنار او باشد تا درصد موفقیت فزونی بگیرد.

